

دیوان رودکی

ابوعبداللہ جعفر بن محمد رودکی سمرقندی

[۱۰۹۸ بیت به دست آمدہ تا امروز]

و

شرح احوال و آثار او

تنظیم و تصحیح

جہانگیر منصور



انتشارات دوستان

فهرست

۷	شرح احوال و آثار رودکی
۹	نام و نسب
۱۰	لقب
۱۱	مولد
۱۲	تخلص
۱۳	ولادت
۱۵	عصر زندگی
۱۸	سفرهای او
۲۳	معلومات او
۲۹	عقاید و افکار
۳۴	کوری
۴۰	زن و فرزند
۴۱	مصایب پایان عمر
۴۲	توانگری
۴۵	رحلت
۴۷	مزار
۴۸	آثار رودکی
۴۸	شماره اشعار

۵۱	منظومه کلیله و دمنه
۵۵	شش مثنوی دیگر
۵۶	سندباد نامه
۵۸	مدایح
۶۲	مراثی
۶۳	مهاجات
۶۴	تغزلات
۶۶	خمریات
۶۷	تشبیهات
۶۸	مناظر طبیعی
۶۹	امثال
۷۰	معارف و حکم
۷۱	تضمین از شعر رودکی
۷۵	مضامین رودکی در اشعار دیگران
۸۰	رودکی و ابوسعید ابوالخیر
۸۳	رودکی و مولانا جلال‌الدین

۸۹	اشعار به دست آمده از رودکی تا امروز
۹۱	۱. قصاید و قطعات و ابیات پراکنده بهم پیوسته
۱۶۳	۲. رباعیات
۱۷۹	۳. ابیات پراکنده
۲۱۹	۴. ابیات پراکنده از مثنوی بحر رمل
۲۴۵	۵. ابیات پراکنده از مثنوی بحر متقارب
۲۵۷	۶. ابیات پراکنده از مثنوی بحر خفیف
۲۶۵	۷. ابیات پراکنده از مثنوی بحر هزج
۲۷۱	۸. ابیات پراکنده از مثنوی‌های اوزان دیگر

۲۷۵	کلمات مهجور و متروک که در شعر رودکی آمده
-----	------------------------------------------

نام و نسب

مؤلف لباب‌الالباب نام و نسب او را استاد ابو عبدالله جعفر محمدالرودکی ضبط کرده است و در زبان پارسی متداول است که نام پسر را به اضافه پدر ملحق می‌کنند، پس مراد او ابو عبدالله جعفر بن محمد بوده است.

نظامی عروضی در چهارمقاله، در مقالت اول نام او را ابو عبدالله جعفر بن محمد الرودکی ضبط کرده است. مؤلف فرهنگ جهانگیری، در لغت زخمه، که این بیت از قطران را به وی نسبت می‌دهد می‌نویسد: استاد ابوالحسن رودکی گوید:

شنبه شادی و اول مه آذر زخمه برافکن به عود و عود بر آذر

در تذکره بزم‌آرا که در سال ۱۰۰۰ تألیف شده نام او ابو عبدالله محمد رودکی است. در تذکره میخانه که در اوایل قرن یازدهم تألیف شده ابو عبدالله محمدالرودکی سمرقندی، در تذکره خیرالبیان تألیف حسین بن غیاث‌الدین محمد تنها به نام رودکی اسم او برده شده است. در تذکره الشعراى دولت‌شاه سمرقندی نیز نام وی استاد ابوالحسن

رودکی ثبت شده است. مؤلف مجمع‌الفصحا نوشته است: «نامش محمد، کنیتش ابوالحسن، بعضی عبدالله گفته‌اند و بعضی گفته‌اند ابوعبدالله کنیتش بوده است و نامش جعفر بن محمد رودکی...» البته درست‌ترین گفته از حیث قدمت مأخذ و اعتبار کتاب، گفتار عبدالکریم بن محمد السمعانی است در کتاب الانساب که نام و نسب او را چنین تصریح می‌کند: «ابوعبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم رودکی الشاعر السمرقندی» و ریشه گفتار سمعانی تاریخ سمرقند تألیف ابوسعید عبدالرحمان بن محمد ادریسی حافظ سمرقندی در گذشته در ۴۵۰ است که ۱۲۱ سال پس از رودکی در گذشته است و نزدیک‌ترین کس از مؤلفان به زمان اوست.

لقب

برخی لقب مجدالدین را در حق وی آورده‌اند، اما این نکته درست نمی‌نماید زیرا که در زمان رودکی هنوز این‌گونه القاب رایج نشده بود.

مؤلفان قدیمی‌تر چون نظامی عروضی در چهارمقاله و عوفی در لباب‌الالباب و دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعرا و بیشتر شاعرانی که از او نام برده‌اند او را «استاد» لقب داده‌اند. در تذکره‌های تازه‌تر مانند آتشکده و مجمع‌الفصحا او را «حکیم» خوانده‌اند.

عوفی در لباب‌الالباب و امین احمد رازی در تذکرة هفت اقلیم می‌نویسند او را سلطان‌الشعرا می‌گفتند. چنان‌که معروفی بلخی گوید:

از رودکی شنیدم، استاد شاعران کاندر جهان به کس مگرو جز به فاطمی

همین گفته سبب شد که در مقدمه دیوان چاپ تهران نوشته‌اند: «لقب او سلطان‌الشعرا» ولی این گفته معتبر نیست چه مراد معروفی از «سلطان شاعران» معنی حقیقی این دو کلمه است یعنی پیشوای شاعران و مقتدای ایشان و کسی که از برتری در میان شاعران چون پادشاه در میان مردم باشد، چنان‌که اگر گفته بود «تاج شاعران» مقصود آن نبود که تاج‌الشعرا لقب داشته است و اگر چنین باشد باید او را «استاد‌الشعرا» نیز لقب کرد، زیرا که کسایی در حق او گفته است:

رودکی استاد شاعران جهان بود صد یکی از او تویی، کسایی؟ یرگست

وانگهی در زمان سامانیان هنوز دامنه لقب چنان پهناور نشده بود که از دستگاه خلیفه بغداد تجاوز بکند و امرای سامانی به شاعر دربار خویش لقب «سلطان الشعرا» بدهند و سامانیان چنان در ایران دوستی متعصب بودند که چنین القاب و عناوین تازی را روا نمی داشتند.

مولد

محمد عوفی در لباب‌الالباب، مولد او را رودک سمرقند می‌داند. جامی در بهارستان او را از مردم ماوراءالنهر شمرده است. دولتشاه در وجه تخلص او گفته است: «در موسیقی او را مهارتی عظیم بود و بربط را نیکو نواختی، بعضی گویند رودک موضعی است از اعمال بخارا و رودکی از آنجاست». امین احمد رازی در هفت اقلیم وی را جزو شعرای سمرقند شمرده و گوید: «تولد وی از رودک سمرقند است» حاج لطفعلی بیگ آذر بیگدلی در تذکره آتشکده نام وی را در سلک شعرای بخارا آورده است. رضا قلی خان هدایت در مجمع‌الفصحا بر آن است که: «رودک قریه‌ای از نسف بوده که نسف را نخشب و قرشی خوانند و رودک را بعضی از اعمال بخارا دانسته‌اند» و در فرهنگ انجمن آرای ناصری در کلمه رودک می‌نویسد: «نام قریه‌ای است از بخارا که استاد رودکی از آنجا بوده، بعضی گویند از مضافات سمرقند است و بعضی چنان دانند که رودنواز بوده و این تخلص از آن روست چنان که گفته: «رودکی چنگ برگرفت و نواخت». در مقدمه دیوان چاپ تهران مسطور است که: «اصلش بخارایی، رودک قریه‌ای است از بخارا» به همین جهت در اذهان گاهی به رودکی سمرقندی و گاهی بخارایی معروف شده است. سمعانی در کتاب الانساب گوید: «رودکی نسبت به رودک است و آن ناحیتی است در سمرقند و قریه‌ای است که آن را بنج گویند و این قریه قطب رودک و دو فرسنگ تا سمرقند است». اما سمعانی در جای دیگر کتاب الانساب در کلمه بنجی نوشته است: «بنجی به فتح با که نقطه دارد و ضم نون و در آخر آن جیم، نسبتی به قریه‌ای از قرای رودک در نواحی سمرقند که آن را بنج رودک می‌خوانند و آن قطب رودک است و از این قریه است شاعر معروف ابو عبدالله رودکی که ذکر او در حرف راء خواهد آمد زیرا که به آن مشهور است اما از بنج بود و ابوسعید ادربیسی حافظ گفت که قبر ابو عبدالله رودکی در